

متن پرسش

به نام خدا با عرض سلام و عرض تشکر، بنده قبلا سوالی را در مورد چگونگی نزول وحی به قلب مبارک رسول الله صل الله و علیه و آله توسط جبرائیل با توجه به مقام واسطه فیض بودن ایشان، اول ما خلق الله بودن و که موجب میشود وجود جبرائیل علیه سلام به اذن الهی از رسول خدا باشد و.....از خدمتتان پرسیدم. مسئله بسیار غامضی است و سؤالات عدیده ای را به ذهن متبادر میکند شما فرمودید که در این مسئله باید به دو مقام توجه کرد: مقام نفس رسول خدا و مقام نور عظمت یا حقیقت نوریه. باز هم برای بنده سؤال باقی است و حتی افزون شده است که آیا بین این دو مقام تفاوتی هست به این معنا که رسول الله وقتی در مقام نفس اند از مقام نوریه غافلند؟ اینکه شما فرمودید چون در این دنیا آمده اند مثل ما جسم و نفسی دارند، آیا تا زمانی که در این دنیا هستند در مقام نفس اند؟ که در این صورت برای این همه فیوضات دائم الهی باید واسطه ی دیگری را طلب کرد و سؤالات عقیدتی و معرفتی فراوان دیگری که مجال گفتن نیست و شما خود از این مجمل بخوان حدیث مفصل را. بعد از صحبت با شما و بحث و تفکر در این باب نکاتی به ذهنم رسید که آنها را خدمتتان عرض میکنم و تقاضا دارم لطف فرموده صحت دریافت بنده را متذکر شوید: به نام خدا، رسول الله صل الله علیه و آله از مرتبه بالای خود غافل نبودند چراکه در غیر این صورت چگونه میتوانستند جبرائیل علیه السلام را که «از مراتب وجود خودشان است» (این جمله از حضرت علامه طباطبائی است) بر خودشان نازل کنند. ایشان برای نزول حقایقی به این عالم مادی توجه به مقامشان میکنند و حقیقت قرآن را بر این عالم نازل می فرمایند، وساطت مراتب بالای حضرت (در اینجا ظهور خاص در جبرائیل علیه السلام) لازم است تا پای حقایق غیبی به این عالم مادی برسد و حضرت سلام الله علیه و آله با لسان مردم، مردم را هدایت کنند. پس حضرت به نحوی نزول کردند البته نه نزول تکوینی و حقیقی بلکه خود را به اختیار و از روی بزرگواری (البته مسلم به اذن الهی) پایین آورده اند تا راه حقایق به این عالم باز شود و این حقایق بستری برای نزول داشته باشند و الا ایشان با حق اند ولو اینکه در میان خلق باشند. پس تمام حقیقت محمدی صلوات الله علیه و آله در شخصیت دنیایی ایشان خلاصه نمیشود، ایشان مقام والایی هستند که در شخص محمد صلوات الله علیه و آله که پسر آمنه علیه الرحمه است و در فلان تاریخ به دنیا آمده اند ظهور کرده اند برای هدایت ما. مسئله باز هم نیاز به توضیح دارد (مثلا اصلا چه نیازی به وجود جبرائیل؟ و...) لطفا دریغ نفرمایید. با تشکر فراوان و عرض شرمندگی. ۲ - در جریان معراج پیامبر صل الله علیه و آله آیا ایشان با همین جسم مادی به آن نشئه رفتند؟ در غیر این صورت - که با توجه به مباحث معاد قطعا غیر این صورت است - چرا با همین

بدن از خانه خارج شدند آیا آن را در جایی خارج از خانه رها کردند؟ لطفا توضیح بفرمایید. ۳ - آیا سخنانی که از حضرت امام حسین علیه اسلام در جریان شهادت پسر بزرگوارشان حضرت علی اکبر علیه اسلام و مثلا شهادت حضرت عباس علیه السلام در مقاتل نقل شده صحیح است؟ و به چه صورت با مقام والای حضرت قابل تطبیق است؟ آیا اصلا ائمه علیهم السلام به خاطر از دست دادن فرزندانشان و دوری از آنها یا رنج کشیدن آنها غصه و زجر و رنج میکشیدند(مثل ما)؟ ۴ - شما در مباحث بسیار خوب کربلا فرمودید که امام حسین علیه السلام نمایش اعتقاد و یقین به سنن الهی است سوالم این است که آیا در کارها و مواردی که جریانی دست ما نیست - مثل همان مثال خودتان در مورد بدگویی افراد راجع با ما - باید اعتماد کامل به سنت دفاع الهی از مومنان کرد و کار را به خدا سپرد یا در کارهایی که کاری از ما برمی آید مثل یافتن شغلی مناسب هم همینطور است آیا ما مأمور به انجام وظیفه در عین توکل هستیم یا باید در مواردی خاص فقط به الطاف الهی که از طریق سنن او جاری میشود دل سپرد و شاد و امیدوار بود نمیدانم سؤال واضح بود یا نه لطفا توضیحاتی که تشخیص میدهید بفرمایید. بسیار ممنونم و التماس دعا

متن پاسخ

علیکم السلام باسمه تعالی ۱- مسلم نبی الله «صلوةالله علیه وآله» در حینی که در مقام نفس ناطقه‌ی خود هستند در مقام اتحاد با حقیقت نوری خود می‌باشند، ولی نقش حضرت جبرائیل «علیه السلام» در تفصیل حقایق الهی در نفس پیامبر است تا حضرت کلمات الهی را به همان صورت به مردم برسانند. ۲- معراج را جسمانی می‌دانند ولی با جسمی متناسب آن عالم و لذا جسم مادی حضرت در هر جایی باشد، فرق نمی‌کند، بلکه جان حضرت با جسم مخصوص به خود در آن عالم سیر می‌کند. مثل این که بدن شما در رختخواب است و شما با جسم مثالی خود خواب می‌بینید در باغی میوه می‌خورید. ۳- موضوع اُنس حضرت سیدالشهداء «علیه السلام» با مجسمه‌های تقوایی مثل علی اکبر «علیه السلام» و حضرت ابالفضل یک نحوه اُنس خدایی است، چیزی که ملت ایران به صورت نازله‌ای آن را با رحلت حضرت امام «رضوان الله تعالی علیه» در خود احساس کردند. ۴- در عین اعتماد به سنن الهی باید وظیفه‌ی خود را نسبت به مواردی که پیش می‌آید انجام دهیم، چون خود عمل، در تحقق بهترین مقضی نقش دارد ولی آنچنان نیست که تمام قضای عالم را در اختیار ما گذارده‌اند. موفق باشید